

بررسی نقش و کارکردهای شهرهای میانی در توسعه‌ی اقتصاد منطقه‌ای

(مطالعه‌ی موردی: شهر بروجرد)

دکتر علی موحد (استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی دانشگاه شهید چمران اهواز، نویسنده مسؤل)

Movahed_a@scu.ac.ir

ماندانا مسعودی راد (دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی دانشگاه شهید چمران اهواز)

چکیده

در برنامه ریزی منطقه‌ای، هدف، استفاده‌ی بهینه از منابع برای توسعه‌ی مناطق است. یکی از مهم‌ترین موضوعات در توسعه‌ی منطقه‌ای، شناخت ساختار فضایی و اقتصادی منطقه است. در بررسی ساختار اقتصادی مناطق، شهرهای میانی پس از شهرهای درجه اول، از نقش قابل توجهی برخوردارند. توجه به نقش و کارکرد شهرهای میانی، می‌تواند به توسعه‌ی منطقه شتاب بخشد. تجربیات جهانی نشان داده که بی‌توجهی به نقش شهرهای میانی (به ویژه نقش اقتصادی) هم‌زمان با روند فزاینده‌ی شهرنشینی، به قطبی شدن کشور و پدیده‌ی بزرگ‌سری و بروز عدم تعادل‌های شدید در نظام اسکان، به دور ماندن بخش‌هایی از سرزمین از روند توسعه و ایجاد شکاف بین مناطق شهری و نیز روستایی می‌شود. نظریه‌های شهرهای میانی (درجه دو) بیش‌تر بر توسعه‌ی درون‌زا، در مقابل جذب فعالیت‌های اقتصادی برونی تأکید دارد. در این پژوهش برای کسب نتایج مورد نظر از میان روش‌ها و الگوهای آماری و اقتصاد سنجی و تحلیل اقتصادی منطقه از سه روش ضریب مکانی، تحلیل ساخت و اقتصاد منطقه - الگوی تغییر سهم و تحلیل موقعیت اقتصادی، مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شهر بروجرد به عنوان دومین شهر منطقه با آرایه‌ی کارکردهای صنعتی، خدماتی و کشاورزی در بهبود شرایط اقتصادی کل منطقه تأثیرگذار است و به عنوان یک شهر میانی در منطقه به واسطه‌ی تعاملات و جریان متقابل باحوزه‌های کوچک‌تر پیرامون خود می‌تواند در استمرار و پویایی اقتصادی (تأثیر خردنقشی) آنها مؤثر باشد.

کلیدواژه‌ها: شهر میانی، توسعه‌ی منطقه‌ای، اقتصاد منطقه‌ای، بروجرد.

درآمد:

در سال‌های گذشته، عمده مباحث و مطالعات شهری - منطقه‌ای در جهان، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، بر ضرورت شناخت و تحلیل اهمیت نواحی متروپلیتن، شهرهای بزرگ و بعضاً شهرهای جدید تأکید داشته است. بر این اساس که اصولاً شهرهای درجه دوم و سوم از لحاظ اقتصادی و بازگشت سود نمی‌توانند کارآیی لازم را داشته باشند (فی، ۱۳۷۸: ۴۹). در حالی که یکی از ارکان توسعه (بر اساس برنامه‌ی چهارم توسعه‌ی عمرانی) یکپارچگی منطقه آن و رفع عدم تعادل‌های اقتصادی-اجتماعی است. امروزه پس از گذشت دو دهه، توجه دوباره‌ای به نقش شهرهای کوچک و میانی در توسعه‌ی اقتصاد منطقه‌ای (و نقشی که آنها می‌توانند در الگوهای توسعه‌ی فضایی برای کاهش فقر و توسعه‌ی عادلانه داشته باشند) صورت گرفته است. این رویکرد، بنابر تحولات اقتصادی سیاسی و نیز در واکنش به نتایج ناخوشایند رویکردهای از بالا به پایین و اقتصاد کلان که به سبب چشم پوشی از سطوح پایین تر سیستم‌های فضایی در دست‌یابی به توسعه شکست خورد، صورت گرفته است (OWSU, 2008: 453).

از این رو می‌توان گفت که اهمیت و نقش شهرهای درجه دوم و سوم در دست‌یابی به توسعه و نهایتاً توسعه‌ی منطقه‌ای غیر قابل چشم پوشی است. نظریه‌ی شهرهای درجه دو بیش تر بر توسعه‌ی درون‌زا، در مقابل جذب فعالیت‌های اقتصادی برونی تأکید دارد و در نتیجه تقویت ارتباط شهر-روستا، اهمیت یکسان بر زیر بنای اقتصادی و توسعه‌ی مراکز متعدد را شامل می‌شود (زیاری، ۱۳۸۷: ۲۱۹).

تحریک در شهرهای میانی باید بر اساس سیاست‌گذاری‌های منطقه‌ای صورت گیرد، سیاست‌گذاری‌های منطقه‌ای عبارت است از آن دسته کوشش‌های آگاهانه و عمده‌ای که از سوی حکومت برای ایجاد تغییر در توزیع فضایی پدیده‌های اقتصادی و اجتماعی، از قبیل جمعیت، درآمد، تولید انواع کالاها و خدمات تسهیل حمل و نقل و سایر زیر ساخت‌های اجتماعی و حتی قدرت سیاسی انجام شود (پاپلی یزدی، ۱۳۸۲: ۳۸).

به هر شکل، هدف از ایجاد تحریک در شهرهای میانی، دست‌یابی به توزیع موزون و هم‌آهنگ و نهایتاً توسعه‌ی متوازن منطقه‌ای است. بر اساس بررسی‌های انجام گرفته در ایران و منطقه‌ی مورد مطالعه، کارکردها و نقش‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی شهرهای میانی (و شهر بروجرد) از عوامل مهم توسعه‌ی در سطح منطقه‌ای به حساب می‌آیند. در این راستا شهر بروجرد از ویژگی‌های شهرهای میانی برخوردار است و امکان

اشتغال بخشی را فراهم می آورد و از سوی دیگر می تواند عامل رشد و ثروت و رفاه عمومی در منطقه شده و موجب ایجاد زیرساخت های بهتر و فراهم شدن پایه ها و زیرساخت های لازم، جهت ایجاد سایر فعالیت ها از جمله خدمات و منابع جدید شود و سرانجام این رشد به نقاط پیرامونی هم سرایت کند. شناخت و تعیین نقش و جایگاه بروجردها در بخش های کشاورزی، صنعت و خدمات به عنوان یک شهر میانی می تواند بر افزایش نقش منطقه ای و محلی آن تأثیر به سزایی داشته باشد. لذا توجه به نقش و کارکرد شهرهای میانی بروجردها می تواند توسعه ای منطقه ای (لرستان) را شتاب بخشد.

در این راستا سؤال پژوهش به شرح زیر مطرح شده است:

۱. آیا شهر میانی بروجردها در توسعه اقتصاد منطقه ای لرستان نقش دارد؟

۲. مزیت نسبی شهر میانی بروجردها در کدام بخش از فعالیت های انسانی است؟

فرضیه ی پژوهش بدین شرح است:

۱. به نظر می رسد، شهر میانی بروجردها پس از شهر خرم آباد در توسعه اقتصاد منطقه ای لرستان نقش دوم را دارد؛

۲. به نظر می رسد مزیت نسبی بروجردها در فعالیت های صنعتی است.

روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله از نوع توصیفی - تحلیلی است و نوع پژوهش کاربردی - نظری می باشد. برای جمع آوری داده ها از روش کتابخانه ای استفاده شده است. نوع تحلیل در این پژوهش کمی است و از روش ها و الگوهای اقتصادی ضریب مکانی (LQ)^۱ و الگو تغییر سهم^۲ استفاده شده است.

ادبیات و پیشینه ی پژوهش

شهرهای کوچک و متوسط یا مراکز شهری سطح پایین در سلسله مراتب شهری و نقش آنها در توسعه ای منطقه ای، یکی از مباحث جدی در محافل علوم منطقه ای است. نظریات و عقاید متفاوتی در مورد نقش آنها در توزیع مدرنیزاسیون، اثرات آنها در توسعه ای مناطق روستایی، عملکرد آنها به عنوان مراکز ارائه خدمات و نیز

1. Location Quotient
2. shift and share model

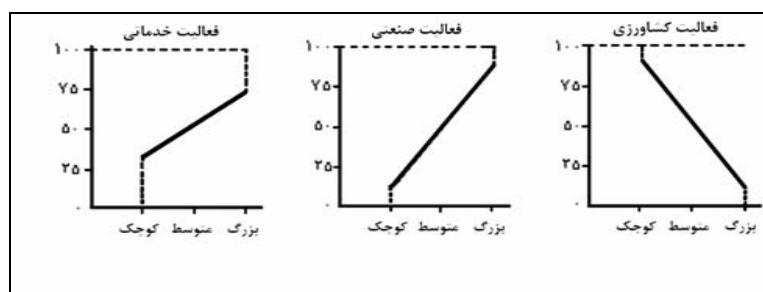
نقش آنها در جلوگیری از مهاجرت روستایی مطرح است. در کشورهای در حال رشد، شهرهای بزرگ با عدم پیوستگی کامل با شهرهای میانی و کوچک، اکثر سطوح عالی خدماتی، اجتماعی و اقتصادی را به خود اختصاص داده‌اند و شهرهای کوچک و میانی با ارتباط ضعیف جوامع پایین‌تر از خود به صورت فضا‌های پیرامونی، حاشیه‌ای و وابسته درآمده‌اند (باقری، ۱۳۷۵: ۲).

طرفداران نظریه‌ی شهرهای کوچک، که شاید بتوان آنان را مخالف شهرهای بزرگ نیز دانست، توسعه‌ی صنعتی و کشاورزی را از یکدیگر جدا نمی‌دانند و بر اهمیت مراکز شهری کوچک و میانی به لحاظ اقتصادی (با اشتغال بخشی) و توسعه‌ی درون‌زا تأکید می‌کنند. طرفداران شهرهای میانی معتقدند در شهرهای بزرگ عواطف ضعیف می‌شوند، محیط زیست آسیب می‌بیند و شهر زیبایی‌اش را از دست می‌دهد. طرفداران شهرهای میانی به پایین بودن هزینه‌ها در این شهرها اشاره کرده و عقیده دارند، در شهرهای میانی، مشکلات ناشی از مسکن، حمل و نقل و اشتغال، خدمات شهر و آلودگی کاهش می‌یابد. ضمناً این شهرها به اقتصاد روستایی تحرک می‌بخشند و در مجموع نظریه‌ی صنعتی شدن را در شهرهای متوسط بهتر می‌توان ادامه داد (زبردست، ۱۳۸۳: ۲۴).

شهرهای میانی از حیث اجتماعی دارای خصوصیتی مشابه و در عین حال متفاوت با شهرهای گروه ماقبل و مابعد خود دارند. در این گروه از شهرها شباهت به شهرهای بزرگ به دلیل غلبه‌ی فعالیت‌های بازرگانی و خدماتی و شباهت شان به شهرهای کوچک ناشی از اشتغال بخش وسیعی از جمعیت به فعالیت‌های کشاورزی است. این اختلاط، سیمای خاصی به شهرهای میانی می‌بخشد و هم‌زمان با وجود برخی مطلوبیت‌های زندگی در شهرهای بزرگ، کیفیاتی از حیات روستایی و سکونتگاه‌های کوچک را بدان‌ها القاء می‌نماید. اصولاً نرخ رشد و نرخ مهاجرت به داخل، هم‌سو با مقیاس شهر تغییر می‌کند و با آن ارتباط مستقیم دارد، در حالی که نرخ مهاجرت به بیرون با مقیاس شهر نسبت عکس داشته و به طور معکوس تغییر می‌کند. وجود دوگانگی اجتماعی در شهرهای میانی به دلیل ساختار دوگانه‌ی اقتصادی این گونه شهرهاست (باقری، ۱۳۷۵: ۱۳-۱۱). شهرهای میانی از نظر اقتصادی، مستعد برترین فعالیت‌های تجاری و

خدماتی، همراه با اشتغال در صنایع کارخانه ای که عمدتاً در بخش صنایع با مقیاس کوچک تمرکز یافته، هستند (باقری، ۱۳۷۷: ۸۹).

شکل شماره ۱: نمودار ارتباط میان بین اندازه شهر و فعالیت های اقتصادی



مأخذ: باقری، اشرف السادات، ۱۳۷۷: ۸-۹

فیلهو معتقد است که نقش و اهمیت شهرهای کوچک و میانی از دهه ۱۹۷۰ بیش تر مورد توجه قرار گرفت. سیاست تشویق شهرهای میانی برای اولین بار در ششمین برنامه توسعه اجتماعی و اقتصادی فرانسه (۷۵-۱۹۷۱) به منظور تمرکز زدایی و ایجاد نظام متعادل تر مطرح گردید و در طول برنامه برای دهه هفتاد شهر به کار رفت. در کنفرانس جمعیت سازمان ملل (۱۹۷۴) بخارست، لزوم تجهیز شبکه جهانی شهرهای کوچک و میانی برای کاهش رشد شهرهای بزرگ مطرح گردید و این سیاست بعدها توسط کشورهای در حال توسعه، که با الگوی نامتوازن شهری روبرو بودند، پیگیری شد (همان: ۲۶).

در ایران نیز بر اساس طرح آمایش سرزمین به اصل تمرکز زدایی (عملاً در جهت خلاف اصل صرفه جویی های ناشی از مقیاس) توجه شده است، بر این اساس از انباشتگی بیش از حد جمعیت در یکی دو مرکز انتقاد شده است (توفیق، ۱۳۸۴: ۴۷۶). از آن جا که شهرها به عنوان وزنه های اصلی نواحی، حالت تعادل بخشی دارند، و به دلیل نقش چشمگیرتر شهرهای میانه اندام در این تعادل باید در کالبد و توسعه آنها اهمیت فراوانی قابل شد، لذا تقویت این شهرها به موازات چارچوب برنامه های ملی - ناحیه ای می تواند نتایج بسیار مفیدی در توسعه متعادل ناحیه ای و منطقه ای داشته باشد (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۰: ۱۱۸).

سابقه توجه به شهرهای میانی در ایران به برنامه پنجم عمرانی (۵۶-۱۳۵۲) قبل از انقلاب می رسد. در این برنامه بر سیاست گذاری های عمران نواحی با هدف کاهش اختلاف مناطق کشور، پیشبرد برنامه های

خاص ناحیه‌ای و کاهش مهاجرت‌های بین استانی، سیاست‌گذاری عدم تمرکز اداری و اقتصادی تأکید شد. ضمناً ایجاد نظام شهری موزون با تأکید بر حوزه‌های نسبتاً مستقل سیزده شهر مرکز مناطق کشور و تقویت شهرهای متوسط، برقراری نظام سلسله مراتبی خدمات رسانی روستایی با تجهیز و ایجاد شهرهای کوچک، عدم تمرکز اداری و... مورد توجه قرار گرفت (صرافی، ۱۳۷۷: ۷۷).

توجه به شهرهای میانی در برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای ایران به دنبال نقد تئوری قطب‌رشد و کاربرد آن صورت گرفت. در این زمینه میسرا (۱۳۵۲) سعی کرد، تا روابط مناسبی بین اجزاء و عناصر تئوری مکان مرکزی و تئوری پخش فضایی ایجاد کند. بر همین مبنا او الگوی سلسله مراتبی پنج مرحله‌ای ارائه داد. این الگو بر مبنای مطالعات و تجربیات میسرا در هندوستان، ایران و برخی کشورهای جهان سوم، فرموله شده است. میسرا بر اساس بررسی‌های منطقه‌ای در ایران، ضمن تقسیم کشور به ده کلان منطقه، الگویی برای برنامه ریزی چند سطحی بر مبنای سطوح مختلف کانون‌های رشد ارائه کرد، این سطوح به شرح زیراند:

جدول شماره ۱. سطوح کانون‌های پیشنهادی میسرا در ایران

موقعیت سیاسی	حداقل جمعیت (هزار تن)	تعداد در کشور	سطوح پیشنهادی
کلان‌شهر	۵۰۰	۱۰	قطب رشد
شهر متوسط	۱۰۰	۱۰۰	مراکز رشد
شهر کوچک	۲۵	۵۰۰	نقاط رشد
روستا - شهر	۲	۴۰۰۰	مراکز خدمات
روستا	۰/۵	۲۰۰۰۰	روستای مرکزی

مأخذ: کلاتری، ۱۳۸۰: ۷۹

تعریف شهرهای میانی

تعریف دقیقی از شهرهای میانی وجود ندارد. گروهی از پژوهشگران اعتقادی به اندازه‌ی بهینه‌ی شهر ندارند و آن را در نظام بهینه‌ی توزیع شهری بررسی می‌کنند. گرچه خود کلمه میانی و متوسط برای شهر به طور ذاتی نشان سطحی از اندازه است. افلاطون عدد ۵۰۴۰ را برای شهرهای شایگان مترادف با شهر متوسط بیان می‌کند (زنجانی ۱۳۷۰: ۸۴ و زیاری ۱۳۸۶: ۱۶) هاردوی و ساتراتوایت شهرهای میانی را با جمعیت بیست هزار تن

و بیش تر تعریف کرده اند، در سمینار «نقش شهرهای میانی و کوچک در توسعه ملی» که در مرکز توسعه منطقه‌ای ملل متحد (UNCRD) در ژانویه سال ۱۹۸۲ برگزار گردید، شهرهای با جمعیت بین بیست تا صد هزار تن شهرهای کوچک و میانی تعریف شده اند.

راندینلی (۱۹۸۳) در بررسی های خود، در مورد شهرهای با جمعیت صد هزار تن و بیشتر را شهرهای میانی در نظر گرفته است. در ایران بحث از شهرهای میانی اولین بار و به طور رسمی در گزارش های آمایش سرزمین به میان آمده است. در طبقه بندی طرح آمایش سرزمین ۱۳۶۴، طبقه بندی زیر صورت گرفته است، شهرهای کوچک زیر پنجاه هزار تن جمعیت، شهرهای متوسط بزرگ بین صد تا دویست و پنجاه هزار تن، شهرهای بزرگ میانی بین دویست و پنجاه تا پانصد هزار تن و شهرهای بزرگ و بسیار بزرگ از پانصد هزار تن تا دو میلیون تن (زبردست، ۱۳۸۳: ۱۱).

دلایل توجه به شهرهای میانی

برتری یک شهر مرکزی عمدتاً در کشورهای در حال توسعه ای اتفاق می افتد که شهرنشینی سریع را تجربه کرده اند. کشورهای در حال توسعه، برخلاف کشورهای توسعه یافته، در قرن نوزدهم فن آوری پیشرفته را از کشورهای توسعه یافته تقلید کردند.

کشورهای در حال توسعه با توجه به محدودیت منابع تجارت و بازرگانی از مزایای تجمع اقتصادی در یک شهر مرکزی، که زیر ساخت های صنعت در آن نسبتاً توسعه یافته اند، بهره می برند. در نتیجه، در کشورهای در حال توسعه بر کارآیی توسعه زیر ساخت های صنعت، که در آن نسبتاً توسعه یافته اند، بهره می برند. بنابراین، بر کارآیی توسعه اقتصادی به عنوان یک سیاست اصرار شده است و به دنبال آن برتری شهر مرکزی تداوم یافته است. برتری سیستم شهری از دیدگاه سیستم متوازن شهری توسط محققان بسیاری مورد بحث قرار گرفته است. کشورهای مورد بحث طی فرآیند رشد سریع اقتصادی و شهرنشینی با ظهور ناگزیر قطبی شدن الگوهای فضایی روبرو شده اند. این برتری شهر پایتخت، موجب ایجاد شکاف عمیق میان مناطق شد. در نتیجه‌ی چنین شکافی مهاجرت عظیم روستاییان به مناطق شهری اتفاق افتاد (Mal Soon, ۱۹۹۵: ۴۷).

بر همین اساس، در حالی که جمعیت ایران طی دویست سال هشت برابر شده است، جمعیت شهر تهران در همین دوره ۲۲۵ برابر شده است (داوودپور، ۱۳۸۳: ۴۴). این رشد سریع جمعیت و افزایش سهم ملی

فَعَالِیت‌های نوین اقتصادی، موجب ایجاد اختلال در ساختار و عملکرد شهری شده است، که برای مثال موجب خروج بیش از حد نیروی کار ماهر از شهرهای کوچک و میانی شده است. در نتیجه، در دهه‌های اخیر، هم‌زمان با ایجاد گرایش به پایداری و توزیع عادلانه‌ی فَعَالِیت‌های اقتصادی و شمار جمعیت، توجه به شهرهای میانی و کوچک افزایش یافته است (Mal Soon، ۱۹۹۵:۴۸).

مشکلاتی که مادر شهرها به وجود آوردند، انگیزه‌ای برای مطالعه و بررسی شهرهای کوچک و میانی در ارتباط با توسعه‌ی پایدار ایجاد نمود. در این راستا شهرهای میانه‌اندازی که کاملاً با منطقه‌ی روستایی تحت نفوذ خود ادغام شده‌اند و بر خلاف مراکز مادر شهری نقشی حیاتی در تعاملات روستا شهری ایفا می‌نمایند، مورد نظر قرار می‌گیرند. این شهرها برای ساکنان روستایی، شرایط زیست بهتر، مشاغل و آلودگی‌های محیطی کمتری فراهم می‌آورند و در عین ایجاد بازارهای محلی برای تولیدات روستایی، روستاییان را در استفاده از خدمات و زیرساخت‌های همگانی سهم می‌کنند. این شهرها، می‌توانند در جذب سرمایه‌گذاری‌هایی که قبلاً متمایل به مرکز بود، موفق باشند. از سوی دیگر این شهرها با موانعی روبرو هستند که در صورت تمایل به تقویت باید با آنها روبرو شوند. در این راستا باید در جهت مدیریت شهری کارآمدتر و مدیریت اثبات‌تر منابع مالی گام بردارند (Bolay، ۲۰۰۴:۴۰۸).

بررسی‌ها نشان می‌دهد کارکردها و نقش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی از عوامل مهم توسعه‌زا در سطح ناحیه‌ای، منطقه‌ای و ملی قلمداد می‌شوند. شهرهای میانی به سبب کارآیی و ایجاد صرفه‌های اقتصادی، و نقش آن‌ها در توزیع متوازن جمعیت و عدالت و برابری و نهایتاً به سبب شکست عملکرد تنزل تدریجی (قطب رشد) می‌توانند در توسعه‌ی منطقه‌ای مؤثر واقع شوند (محمدزاده تینکانلو، ۱۳۸۱: ۸۹). راندینلی می‌گوید شهرهای کوچک و میانی بیشترین روابط را با سکونتگاه‌های روستایی حوزه‌ی نفوذ خود برقرار می‌سازند (Rondinelli، ۱۹۸۵-۱۴۴: ۱۴۵). راندینلی در نظریه‌اش به برخورد وابستگی‌ها اهمیت می‌دهد (شکویی، ۱۳۷۴؛ ۳۱۵). با توجه به نظر این محقق شهرهای میانی بر مبنای جمعیت، ممکن است به این ترتیب بر توسعه اثر بگذارند:

۱) شهرهای میانی ممکن است از مشکلاتی که مسکن، آلودگی، حمل و نقل، اشتغال، تأمین خدمات شهری در بزرگترین شهر ایجاد می‌کنند، بکاهد؛

۲) شهرهای میانی از نابرابری‌های ناحیه‌ای می‌کاهند، زیرا امکانات و خدمات عرضه شده در حوزه‌ی مادر شهری از شهرهای میانی بیشتر است؛

۳) شهرهای میانی از طریق ایجاد خدمات، امکانات و بازارهایی برای تولیدات کشاورزی حوزه‌های روستایی، اقتصاد روستایی را تحریک می‌بخشد؛

۴) سرمایه‌گذاری در شهرهای میانی فقر را کاهش می‌دهد و برای بیکاران و مهاجران روستایی اشتغال ایجاد می‌کند و از فشارهای جمعیتی و مهاجرتی می‌کاهد.

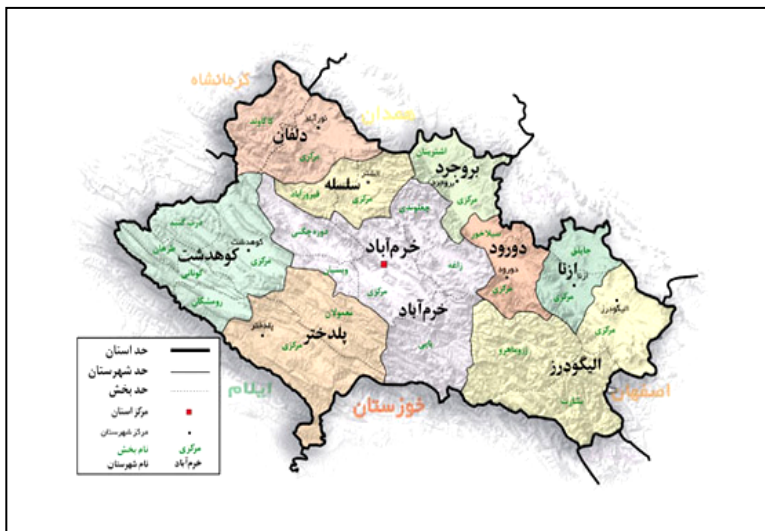
شهرهای میانی در نظام اسکان، از مناسبترین موقعیت، جهت سپردن نقش نقاط ثقل و واسط برخوردارند، با پذیرش نقش مرکز نسبت به پیرامون، در مقیاس منطقه‌ای، علاوه بر رشد خود، موجب تثبیت بنیان‌های لازم رشد در منطقه و توسعه‌ی حوزه‌ی نفوذ خود خواهند شد (prakash, mathur, ۱۹۸۲:۱۷).

شناخت منطقه‌ی لرستان و شهر بروجرد

استان لرستان در جنوب غربی کشور به دلیل داشتن استعدادهای کشاورزی، وجود ظرفیت‌های خدماتی به سبب واقع شدن در مسیر ارتباطی شمال به جنوب و شرق به غرب ایران، وجود منابع غنی آب و میزان نسبتاً بالای بارش دارای اهمیت فراوانی است. توسعه‌ی ناموزون منطقه‌ای، توسعه نیافتگی و تمرکز جمعیت در مرکز این استان، ضرورت آزمون و بررسی کارکردهای شهرهای میانی و کوچک را برای منطقه‌ی مورد نظر مطرح می‌سازد (این استان در سرشماری سال ۱۳۸۵ دارای ۲۳ شهر کوچک و نسبتاً بزرگ می‌باشد). به نظر می‌رسد که در منطقه‌ی لرستان، مانند سایر مناطق، ارتباط و تعامل متقابل بین اجزاء وجود دارد. البته این ارتباط متقابل بر حسب وجود امکانات، صنایع، وجود راه‌ها و... در بیشتر موارد ارتباطی یک سو به است که در آن شهرهای کوچکتر نقش کم‌رنگی ایفا می‌نمایند. در سال ۱۳۸۵ جمعیت استان لرستان ۱۷۱۶۵۲۷ تن اعلام شده که ۵۹/۴۳ آنها در شهرها زندگی کرده و مابقی را روستاییان تشکیل می‌دهند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). به نظر می‌رسد که تبدیل تعدادی از نقاط روستایی به شهر و مراکز شهری و سرریز شدن نیروی شاغل از بخش کشاورزی، از مهم‌ترین دلایل افزایش جمعیت شهرنشینی است. آن گونه که واضح است اگر این تعداد نیرو نتواند جذب بخش‌های صنعت و خدمات شوند، ناگزیر در زمره‌ی بیکاران جویای کار قرار می‌گیرند. این میزان برای استان لرستان سالیانه حداقل به ۸ تا ۹ هزار تن می‌رسد (معاونت برنامه ریزی استانداری لرستان، ۱۳۸۷: ۲۲). بررسی آمار نشان می‌دهد، مهاجرت روستاییان به شهر و افزایش فقر شهری معلول توسعه نیافتگی منطقه‌ای است. شهر میانی بروجرد (نقشه شماره ۱ موقعیت شهر بروجرد را در میان شهرهای استان لرستان نشان می‌دهد)، مرکز شهرستان

بروجرد در صد کیلومتری شمال شهر خرم آباد در سال ۱۳۸۵، دارای جمعیتی معادل ۳۲۳۸۲۶ تن بوده است، که ۱۸/۶ درصد از جمعیت استان را شامل می‌شود. شهرستان بروجرد با میزان ۷۲/۵ درصد شهرنشینی بالاترین درصد شهرنشینی، در استان را دارد. نرخ بیکاری در شهرستان بروجرد ۱۲٪ است، که از این نظر رتبه‌ی ششم را داراست. از نظر تعداد شاغلان در کارگاههای بزرگ صنعتی، این شهر با دارا بودن ۴۱۳۹ تن که معادل ۴۶/۶ درصد از کل شاغلان واحدهای بزرگ صنعتی است، در رتبه‌ی اول استان جای می‌گیرد. با توجه به بررسی ظرفیت‌های محیطی و منطقه‌ای، شهر دارای قابلیت‌های زیر است: ۱. قابلیت توسعه‌ی نواحی و اشتغال‌های صنعتی به مناسب وجود راهها، زیر ساخت لازم و فضای مناسب جهت سرمایه گذاری‌های اقتصادی بخش خصوصی؛ ۲. قابلیت استعداد فعالیت‌های کشاورزی به مناسب برخورداری از زمین‌های حاصلخیز دشت سیلاخور و منابع کافی آب؛ ۳. قابلیت در بخش خدمات به عنوان شهری میان راهی و نیز شهری مرکزی در محدوده‌ی مناطق روستایی پیرامون خود.

نقشه شماره ۱. موقعیت شهر بروجرد در استان لرستان



مأخذ: محمدی، ۱۳۸۶

یافته های پژوهش

شهر بروجرد، قابلیت زیادی برای تبدیل به قطب های صنعتی، خدماتی و نهایتاً کشاورزی در منطقه دارد. این قابلیت با استفاده از روش تحلیل ضریب مکانی^۱ نیز مورد تأیید قرار گرفته است.

جدول شماره ۲. مقایسه‌ی میزان ضریب مکانی شهر بروجرد نسبت به سایر شهرهای استان لرستان در سال ۱۳۸۵

شهر	L.Q (کشاورزی)	L.Q (صنعت)	L.Q (خدمات)
بروجرد	۰/۶	۱/۳۵	۱/۳
خرم آباد	۰/۸۱	۰/۷۷	۱/۲۳
کوههدشت	۱/۳	۰/۸	۰/۹۵
دورود	۰/۷	۱/۵	۰/۹
سلسله	۱/۵	۰/۳۶	۱/۰۳
الیگودرز	۱/۳۴	۱/۰۴	۰/۷۸
پلدختر	۱/۸۵	۰/۴۴	۰/۸۵
ازنا	۱/۴	۰/۹۱	۰/۸۳
دلفان	۱/۴۷	۱/۲۱	۰/۶۲

مأخذ: محاسبات نگارندگان

۱. (کل اشتغال در کشور/اشتغال در بخش I در کل کشور)/(کل اشتغال در منطقه J/اشتغال در بخش I در منطقه J) = ضریب مکانی که فرمول ریاضی آن عبارت از:

$$LQ_i = \frac{e_i / \sum e_i}{E_i / \sum E_i}$$

آن چنان که جدول بالا نشان می‌دهد، شهر میانی بروجرد می‌تواند با داشتن توانایی نسبی در زمینه‌ی فعالیت‌های صنعتی و خدماتی (در مقایسه با سایر شهرهای استان لرستان)، در توسعه‌ی اقتصاد منطقه‌ی خود نقش مؤثری ایفا نماید. براساس جدول بالا، میزان فعالیت‌های این شهر در دو بخش اقتصادی صنعت و خدمات از نوع پایه‌ای محسوب می‌شود و نسبت به سایر نقاط شهری استان مقدار بیشتری را نشان می‌دهد. اهمیت این موضوع در آن است که فعالیت‌های پایه‌ای ضمن برآورده ساختن نیازهای ساکنان منطقه‌ی خود، با صدور کالاها و خدمات به بیرون از آن، می‌تواند میزان درآمد منطقه‌ی خود را افزایش دهند.

جدول شماره ۳. مقایسه‌ی تغییرات ضریب مکانی در شهر بروجرد نسبت به استان لرستان. (۸۵-۱۳۷۵)

شهر	فعالیت	L.Q ۷۵	L.Q ۸۵
بروجرد	کشاورزی	۰/۶	۰/۶
	صنعت	۱/۱۴	۱/۳۶
	خدمات	۱	۱/۳۴

مأخذ: محاسبات نگارندگان

براساس جدول شماره (۳)، شهر بروجرد در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵، موجب جذب و ایجاد درآمد و سرمایه‌گذاری از سایر نقاط کشور و استان می‌شود، ضمن آن که از فرار سرمایه‌های کوچک و بزرگ از استان و شهرستان جلوگیری به عمل می‌آورد. در زمینه‌ی فعالیت‌های صنعتی صادرکننده بوده و این بخش به عنوان بخش پایه‌ای اقتصادی عمل نموده است. شهر بروجرد در زمینه‌ی فعالیت‌های خدماتی در سال ۱۳۷۵، خود کفا و در سال ۱۳۸۵ به بخش صادرکننده تبدیل می‌شود؛ یعنی تا سال ۱۳۷۵ توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای خدماتی ناحیه را داشته و از سال ۱۳۸۵ به بعد بخصوص در زمینه‌های بهداشتی، آموزشی و آموزش عالی و خدمات سطوح بالاتر به تعداد جمعیتی بیش از ناحیه خدمات‌دهی نموده است.

بخش کشاورزی در شهرستان بروجرد در سال ۱۳۷۵ با میزان ۰/۶، خود کفان بوده و بخش تبعی اقتصاد به حساب می‌آید، این میزان در سال ۱۳۸۵ تغییری نیافته است (این رقم را می‌توان با بهره‌گیری از روش‌های مناسب‌تر به خود کفایی نزدیک نمود)، ضمن آن که بهره‌گیری از ظرفیت‌های طبیعی آب و خاک حاصلخیز دشت‌های

ناحیه (از قبیل سیلاخور، چالانچولان و...) و بهبود در شیوه‌های تولید می‌تواند به خود کفایی این شهر در بخش اول فعالیت‌های اقتصادی منجر شود.

یکی دیگر از روش‌های ارزشیابی کارکردهای کلان در شهرهای میانی، تحلیل سهمی - بخشی^۱ ساختار اقتصادی است (فنی، ۱۳۷۸؛ ۵۱). این روش تفاوت رشد بخش‌های اقتصادی شهر، در مقایسه با رشد بخش‌ها در سطح اقتصاد مرجع را بررسی می‌کند، این تفاوت که ممکن است مثبت یا منفی باشد، بیانگر تغییر مکان یا جابه‌جایی سهم اقتصاد شهر در اقتصاد مرجع است. در همین راستا موقعیت شهر بروجرد هم در مقایسه با اقتصاد مرجع (کشور) و هم اقتصاد مرجع (استان) محاسبه شده است؛ (جداول شماره ۴ و ۵)

جدول شماره ۴. بررسی وضعیت اقتصادی در بخش‌های مختلف اقتصادی شهرستان بروجرد در دوره ۷۵ و ۸۵ بر مبنای اقتصاد مرجع استان

Rsi	imi	nsi	شهرستان		استان		گروه‌های عمده فعالیت	ردیف
			۸۵	۷۵	۸۵	۷۵		
-۲۰۱۵/۳۷	-۲۵۴۸/۴۲	۴۶۷۸/۰۵۶	۱۳۷۱۲	۱۳۵۹۹	۱۰۷۰۳۹	۹۲۵۵۱	کشاورزی	۱
-۱۸۲۳	+۲۷/۵۶	۵۲/۲۸۸	۲۱۳	۱۵۲	۲۲۱۳	۱۴۵۴	معادن	۲
-۲۳۰/۸۹	۳۴۸/۵۷	۳۰۶۶/۸۶	۱۲۰۹۹	۸۹۱۵	۳۶۸۴۳	۲۶۶۳۸	صنعت	۳
-۱۳۰	۱۸۴/۳	۱۳۰/۷۲	۵۷۴	۳۸۰	۳۳۸۰	۱۸۴۸	آب و برق و گاز	۴
-۵۹۵/۸۵	۳/۱۰۳۴	۵۳۳۷/۸۴۸	۲۰۲۹۴	۱۵۵۱۷	۷۲۰۹۴	۵۳۵۴۹	ساختمان	۵
-۸۶۰۰/۸۵	۴۸۶۶/۵۶	۳۲۰۶/۳۹۲	۱۱۷/۸۳	۱۰۰/۱۹۳	۴۵۷۷۳	۲۲۸۸۸	فروش	۶
-۱۶۶۶/۲۷	۳۷۹/۳۱	۱۸۹۶/۱۲۸	۹۵۴۰	۵۵۱۲	۳۹۱۰۳	۱۹۲۳۳	حمل و نقل	۷
-۱۱۳۷/۱۸	۳۲۸/۱۲	۷۱۶/۲۰۸	۱۹۸۹	۲۰۸۲۵	۸۸۴۶	۵۸۹۱	خدمات مالی	۸
-۳۷۰/۴۱	-۱۴۶۹/۵۸	۵۵۱۲/۹۴۴	۱۶۳۵۹	۱۶۰۲۶	۹۰۳۴۳	۷۲۱۴۸	خدمات اجتماعی	۹
+۴۱۳/۰۲۶	۱۲۹/۶۷	۳۰۱	۱۷۱۹	۸۷۵	۸۷۳۷	۵۸۵۵	سایر خدمات	۱۰
-	-	-	۸۲۸۲	۷۲۹۰۴	۴۱۴۳۷۲	۳۰۸۳۱۵	جمع	

مأخذ: محاسبات نگارندگان

۱ - مدل تغییر سهمی

- 1.0 Nsi = eit-1 (E t-1 / E t-1 - 1)
2. IMi = (E ti / Eit-1 - E t/ E t1)
3. RSi = e ti / eit-1 - E ti/ Eit-1)

جدول شماره ۵. بررسی وضعیت اقتصادی در بخش‌های مختلف اقتصادی شهرستان بروجرد در دوره ۷۵ و ۸۵ بر مبنای اقتصاد مرجع کشور

Rsi	imi	nsi	شهرستان		کشور		گروه‌های عمده فعالیت	ردیف
			۸۵	۷۵	۸۵	۷۵		
-۱۲۲۱/۱۹	-۴۱۷۴/۸۹	۵۵۱۰/۳۱	۱۳۷۱۲	۱۳۵۹۹	۳۶۸۶۷۴۷	۳۳۵۷۲۶۳	کشاورزی	۱
۱۹/۹۵	-۲۰/۵۵	۶۱/۵۹	۲۱۳	۱۵۲	۱۵۲۲۵۴	۱۱۹۸۸۴	معادن	۲
-۷/۱۳۲	+۳۵۲/۱۴	۳۶۱۲/۳۵	۱۲۰۹۹	۸۹۱۵	۳۴۸۵۱۹۱	۲۵۵۱۹۶۲	صنعت	۳
۶/۸۴	+۳۳/۱۳۶	۱۵۳/۹۷	۵۷۴	۳۸۰	۲۲۴۸۱۱	۱۵۰۶۳۱	آب و برق و گاز	۴
۴۴۰۰/۶۲	۲۹۳۱/۱۶	۶۲۸۷/۴۸	۲۰۲۹۴	۱۵۵۱۷	۲۶۳۱۱۴۲	۱۶۵۰۴۸۲	ساختمان	۵
-۳۱۷۰/۰۲	۶۲۸/۹	۴۱۳۰/۲	۱۱۷۸۳	۱۰۱۹۳	۲۸۲۸۰۵۷	۱۹۲۷۰۶۷	فروش	۶
-۸۷۶/۲۷	۳۰۸۲/۳۴	۲۱۱۴/۷۳	۹۵۴۰	۵۵۱۲	۱۹۴۱۹۰۹	۹۷۲۹۷۲	حمل و نقل	۷
-۲۹۳۷/۷	۲۰۰/۰۱	۸۴۳/۶۲	۱۹۸۹	۲۰۸۲۵	۷۱۴۵۷۰	۳۰۱۹۶۲	خدمات مالی	۸
-۴۷۵۶/۵۱	-۱۴۰۲/۲۷	۶۴۹۳/۷۳	۱۶۳۵۹	۱۶۰۲۶	۴۳۲۵۱۷۳	۳۲۸۲۵۰۲	خدمات اجتماعی	۹
۵۹/۳۲	۴۲۹/۹۷۵	۳۵۴/۵۵	۱۷۱۹	۸۷۵	۴۸۷۵۰۷	۲۵۷۰۲۸	خدمات نامشخص	۱۰
-	-	-	۸۸۲۸۲	۷۲۹۰۴	۲۰۴۷۶۳۶۱	۱۴۵۷۱۵۷۲	جمع	

مأخذ: محاسبات نگارنده گان

جدول شماره ۴، روند اشتغال بخش‌های عمده‌ی فعالیت را در استان لرستان و شهرستان بروجرد برای سال‌های ۷۵ و ۸۵ نشان می‌دهد. اشتغال بخش‌های مختلف استان در همه بخش‌ها در طی این سال‌ها افزایش یافته است. اشتغال در شهرستان بروجرد به جز بخش خدمات مالی، در همه‌ی بخش‌ها از سال ۷۵ تا ۸۵ افزایش داشته است. همان‌گونه که در جدول شماره (۴) اجزای تحلیل تغییر سهم برای شهرستان بروجرد بر اساس آمار اشتغال نشان داده شده است، با توجه به روند صعودی اشتغال در کل استان انتظار می‌رود که اثر سهم استانی برای هر بخش مثبت باشد و همان‌گونه که در سطوح NSI مشاهده می‌شود، اثر سهم استانی برای هر یک از بخش‌های شهرستان بروجرد مثبت است.

در بخش‌های معدن، صنعت، آب و برق و گاز، فروش، حمل و نقل، خدمات مالی و خدمات نا مشخص، اثر ترکیب بخشی مثبت است و بدان معنی است که ترکیب بخشی شهرستان به صورتی است که سهم بیشتری در بخش‌هایی، که از نرخ رشد استانی بالاتری برخوردار هستند، داشته است. یعنی اگر فرض کنیم که بخش‌های عمده شهرستان هر کدام به تنهایی با همان نرخ رشد استانی خود رشد کنند، رشد متوسط شهرستان از رشد متوسط استانی بیشتر خواهد شد. چرا که سهم بخش‌هایی که در شهرستان مرجع از رشد بیشتری برخوردارند در ترکیب بخش شهرستان بیشتر است و در نتیجه متوسط رشد منطقه را بیشتر افزایش می‌دهد. اما اثر ترکیب بخشی در بخش‌های کشاورزی و خدمات اجتماعی منفی است و بدان معنی است که ترکیب بخشی منطقه به صورتی است که سهم کمتری در بخش‌هایی که از نرخ رشد استانی بالاتری برخوردارند داشته است. یعنی اگر فرض کنیم که بخش‌های شهرستان هر کدام به تنهایی با همان نرخ رشد استانی خود رشد پیدا کند، رشد متوسط استانی کمتر خواهد شد، چرا که سهم بخش‌هایی که در منطقه مرجع از رشد پایینی برخوردارند در ترکیب بخشی منطقه بیشتر است و در نتیجه متوسط رشد منطقه را بیشتر کاهش می‌دهد.

در بخش خدمات نا مشخص اثر رقابتی مثبت است و بیانگر امتیاز نسبی شهرستان در این بخش است، و از آن جا که سهم رقابتی مثبت در این بخش با یک ترکیب بخشی مثبت همراه شده است، بنابراین یک مزیت نسبی بالقوه از رشد این بخش شهرستان وجود دارد که می‌تواند رشد بالقوه‌ای برای اقتصاد شهرستان باشد.

در بخش‌های معدن، صنعت، آب و برق و گاز، ساختمان، فروش، حمل و نقل و خدمات مالی سهم رقابتی منفی، با یک ترکیب بخشی مثبت همراه شده و بیانگر این مسأله است که شهرستان در حال از دست دادن مزیت نسبی خود در بخشی است که در چشم انداز رشد شهرستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. این ممکن است به دلیل ضعف مدیریت، سیاست‌های نامناسب محلی و... باشد، در این بخش‌ها باید سیاست‌گذاران دولتی و محلی راهکارهای جدید و کارآمدی به منظور بازیابی مجدد سهم رقابتی شهرستان ارائه کنند (اکبری، ۱۳۸۷: ۱۴). سهم رقابتی شهرستان بروجرد در بخش‌های کشاورزی و خدمات اجتماعی منفی است و در این فعالیت‌ها نه تنها بخش‌هایی با سهم کمتر از نرخ رشد استانی قرار دارند، بلکه در سطح شهرستان نیز این بخش‌ها مزیت نسبی ندارند. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهند، اثر ترکیب بخشی و اثر رقابتی در یک سری موارد کاملاً با هم مطابقت دارند، ولی در برخی موارد این دو در جهت عکس یکدیگر عمل می‌کنند،

در بخش خدمات نامشخص این دو شاخص هر دو مثبت‌اند و این بیانگر آن است که ترکیب بخشی شهرستان به شکلی است که از مزیت رقابتی شهرستان حمایت می‌کند، یعنی بخشی که در شهرستان از مزیت نسبی برخوردار است، سهم بیشتری در اشتغال شهرستان نیز داراست. به بخش‌هایی با این ویژگی‌ها برنده‌ی اقتصادی می‌گویند.

بخش‌های معدن، صنعت، آب و برق و گاز، ساختمان، فروش، حمل و نقل و خدمات مالی که دارای اثر مثبت در ترکیب بخشی به همراه اثر منفی در سهم رقابتی هستند که از لحاظ رشد اشتغال در سطح استانی رتبه‌ی بالاتری را دارند، کمتر موفق بوده‌اند و شهرستان در این بخش‌ها مزیت نسبی ندارد. به این بخش‌ها بخش‌های بازنده‌ی مختلط اقتصادی می‌گویند.

بخش‌های کشاورزی و خدمات اجتماعی که دارای یک اثر منفی در ترکیب بخشی به همراه یک اثر منفی در اثر رقابتی منطقه هستند، نشان دهنده‌ی آن است که منطقه در بخش‌هایی که از رشد ملی خوبی برخوردار نیستند، مزیت ندارد. به این بخش‌ها بازنده‌ی اقتصادی گویند و این بخش‌ها به زودی سهم خود را از اشتغال منطقه از دست خواهند داد.

بررسی وضعیت اقتصادی در بخش‌های مختلف اقتصادی شهرستان بروجرد در دوره‌ی ۷۵ تا ۸۵ را بر اساس اقتصاد مرجع کشور نشان می‌دهد (جدول شماره ۵)، همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد، اثر ترکیب بخشی و اثر رقابتی در بخش‌های کشاورزی و خدمات اجتماعی هر دو منفی است، در نتیجه منطقه در بخش‌هایی که از رشد منطقه‌ای خوبی برخوردار نیستند، مزیت ندارد و این دو بخش بازنده اقتصادی محسوب می‌شوند. بخش‌های آب و برق و گاز و ساختمان و خدمات نامشخص دارای اثر ترکیب بخشی و رقابتی مثبت‌اند، این بخش‌ها، بخش‌های برنده اقتصادی‌اند، و ترکیب بخشی به شکلی است که از مزیت رقابتی منطقه حمایت می‌کند، یعنی بخش‌هایی که در منطقه از مزیت نسبی برخوردارند سهم بیشتری در اشتغال منطقه دارند. در نتیجه می‌توان انتظار داشت که این بخش در آینده نقش بسیار مهمی در اشتغال داشته باشد.

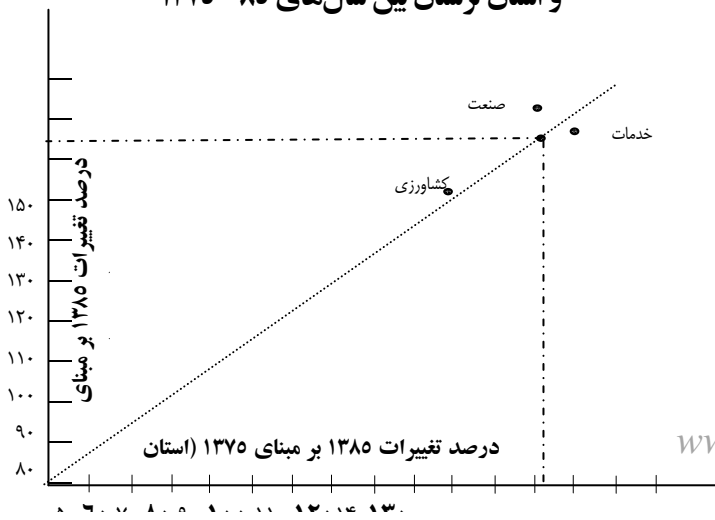
بخش‌های صنعت، فروش، حمل و نقل و خدمات مالی که دارای اثر مثبت در ترکیب بخشی به همراه اثر منفی در سهم رقابتی هستند و از لحاظ رشد اشتغال در سطح منطقه رتبه‌ی بالاتری دارند، کمتر موفق بوده‌اند و منطقه در این بخش‌ها مزیت نسبی ندارد. این بخش‌ها بازنده مختلط اقتصادی هستند. بخش‌های کشاورزی و

خدمات اجتماعی هر دو دارای اثر منفی در ترکیب بخشی به همراه اثر منفی در اثر رقابتی منطقه‌اند. این دو بخش بخش‌های بازنده اقتصادی هستند. این بخش‌ها به زودی سهم خود را از اشتغال منطقه از دست خواهند داد. روش دیگر، تحلیل موقعیت اقتصادی، به منظور شناخت و پیش‌بینی سهم بخش‌های اقتصادی شهر یا منطقه در مقایسه با کشور به کار گرفته می‌شود. «در این روش تغییرات ایجاد شده در درآمد، اشتغال شهر در ارتباط با تحول اقتصادی کشور بر سهم هر یک از عوامل در تغییر ساختار اقتصادی شهر مشخص می‌شود.» برای کاربرد این روش از تکنیک ترسیمی طولی - عرضی والترایزارد استفاده می‌شود. «به طور کلی این روش تفاوت رشد در بخش‌های اقتصادی شهر را در قیاس با رشد همان بخش در (سطح ملی)، در نظر دارد.» (زیاری، ۱۳۷۸: ۱۹۳).

نمودار شماره ۱، که بر پایه‌ی اطلاعات جدول شماره‌ی ۶ ترسیم شده است، نشان می‌دهد که بخش کشاورزی در سطح منطقه ای و نیز در شهر بروجرد رشدی کمتر از متوسط رشد اقتصادی داشته است، این اختلاف درصد برای شهر بروجرد ۲۱/۵ و برای منطقه ۱۹/۲ درصد بوده است. بخش صنعت در هر دو سطح میزانی بیش از میانگین رشد شهرستان و استان داشته است. میزان تفاوت مذکور در شهر بروجرد، بیش از سطح منطقه است. بخش خدمات در شهر بروجرد به میزان ۱/۱ درصد کمتر از میزان متوسط رشد شهرستان است. میان سه بخش مذکور برای شهرستان بروجرد، بخش صنعت بالاترین میزان را داراست. اما در استان لرستان بخش خدمات است که با میزان ۱۴۶/۲ درصد بالاترین رقم را در میان سایر بخش‌ها دارد. نمودار شماره ۱ موقعیت بخش‌های اقتصادی شهر بروجرد و استان لرستان بین سال‌های ۸۵-۱۳۷۵ را نشان می‌دهد.

نمودار شماره ۱. موقعیت بخش‌های اقتصادی شهر بروجرد

و استان لرستان بین سال‌های ۸۵-۱۳۷۵



جدول شماره ۶. تغییرات کمی بخش‌های اقتصادی شهر بروجرد و استان در دوره‌ی (۸۵-۱۳۷۵)

استان لرستان			بروجرد			
تغییر به درصد بر پایه ۱۳۸۵	۱۳۸۵ تعداد شاغلین	۱۳۷۵ تعداد شاغلین	تغییر به درصد بر پایه ۱۳۷۵	۱۳۸۵ تعداد شاغلین	۱۳۷۵ تعداد شاغلین	سال نوع اشتغال
۱۱۵/۵	۱۰۷۰۳۹	۹۲۵۵۱	۱۰۰/۱	۱۳۷۱۲	۱۳۵۹۹	کشاورزی
۱۳۶/۱	۱۱۱۱۵۰	۸۱۶۴۱	۱۳۱/۱	۳۲۶۰۶	۲۴۸۵۴	صنعت
۱۴۶/۲	۱۹۶۱۸۳	۱۳۴۱۲۳	۱۲۰/۱	۴۱۴۹۶	۳۴۷۲۱	خدمات
۱۳۴/۳	۴۱۴۳۷۲	۳۰۸۳۱۵	۱۲۱/۲	۸۸۲۸۲	۷۲۹۰۴	جمع

مأخذ: محاسبات نگارندگان

زاویه‌ی B که در حدود ۴۳ درجه است، نشان می‌دهد که طی سال‌های ۸۵-۱۳۷۵، متوسط رشد اقتصادی شهر بروجرد کمتر از متوسط اقتصادی استان بوده است. مقایسه‌ی اضلاع چهار ضلعی ABCD نشان می‌دهد که طول ضلع AB $\frac{1}{3}$ برابر بیش از طول ضلع BC است. مفهوم اقتصادی آن، این است که با این که بین رشد اقتصادی بروجرد و استان لرستان هم‌سویی و توازن نسبی وجود دارد، در عین حال متوسط رشد اقتصادی بروجرد در این دهه سیزده درصد کمتر از متوسط رشد اقتصادی استان لرستان بوده است.

نتیجه گیری:

شهر میانی بروجرد به سبب برخورداری از زیر ساخت‌ها، قابلیت‌ها و توانمندی بالفعل و بالقوه در رفع عدم تعادل‌های اقتصادی-اجتماعی منطقه ای و ایجاد توسعه‌ی عادلانه و متوازن در استان لرستان، نقش بسیار مؤثری ایفا می‌نماید. شهر بروجرد صنعتی‌ترین شهر استان لرستان محسوب می‌شود و از دیدگاه جمعیتی پس از خرم آباد در رتبه‌ی دوم قرار می‌گیرد (موحد، ۱۳۸۷: ۹). این شهر در دو بخش کلی صنعت و خدمات خود کفا است، به گونه‌ای که از نظر تعداد شاغلان در کارگاه‌های بزرگ صنعتی در رتبه‌ی اول استان جای می‌گیرد. گرچه بر اساس الگو ضرب مکانی مزیت نسبی در بخش صنعتی است، اما در بخش کشاورزی نیز قابلیت بسیار زیادی برای سرمایه گذاری دارد، به گونه‌ای که با اندکی توجه به این بخش می‌توان در آینده بسیار نزدیک آن را به بخش پایه‌ای و صادر کننده تبدیل ساخت. این شهر با تکیه بر قابلیت نسبی (نقش پایه‌ای) در ایفای نقش صنعتی خود، صنعتی‌ترین شهر استان لرستان محسوب می‌شود (جدول شماره ۲). به واسطه مزیت

نسبی در این بخش، از سویی می‌تواند موجب جذب سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی و خارج استانی گردد. در عین حال که از فرار سرمایه‌های درون منطقه‌ای نیز جلوگیری به عمل آورد و همین موضوع به شکل عاملی در تقویت نقش اقتصادی منطقه عمل نماید، ضمن آن که با اتکاء به توان‌مندی در ارائه‌ی خدمات (به عنوان یک بخش پایه‌ای اقتصادی) به بیرون از منطقه‌ی خود، میزان درآمد و در نتیجه درآمد منطقه را افزایش دهد. از سوی دیگر به سبب رشد مثبت اشتغال در همه‌ی بخش‌های اقتصادی (به غیر از بخش خدمات مالی)، می‌تواند با ایجاد فرصت‌های شغلی برای نیروی کار ماهر، موجبات کاهش فقر منطقه‌ای را فراهم آورد. در زمینه‌ی ارتباط شهر میانی در توسعه‌ی نواحی روستایی، شهر بروجرد ضمن ایجاد بازارهای محلی برای تولیدات روستاهای پیرامونی خود و نیز استفاده‌ی روستاییان از زیرساخت‌های موجود شهری، می‌تواند در جهت تحریک بخشیدن به اقتصاد روستاهای ناحیه‌ی خود، نقش مهمی ایفا نماید. در این راستا، سیاست‌گذاری‌های منطقه‌ای می‌تواند در جهت تحریک بخشیدن به اقتصاد کشاورزی این شهر، که در حال از دست دادن مزیت نسبی خود در منطقه است، و با دست‌یابی به نقش اقتصاد پایه‌ای فاصله دارد، در جلوگیری از بیکار شدن نیروی کار روستا و نتیجتاً مهاجرت به شهر، مؤثر واقع شود. از این رو، شهر میانی بروجرد به دو صورت می‌تواند در توسعه‌ی منطقه‌ای استان لرستان مؤثر باشد: ۱. با ایجاد بازار محلی برای تولیدات روستاییان، و نیز ارائه‌ی خدمات و زیرساخت‌های شهری به شهرهای کوچک و روستاییان منطقه؛ ۲. به دلیل جذب سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی و خارج استانی، به عنوان نقطه‌ی قابل اتکاء به واسطه‌ی زیرساخت‌های لازم و نیز افزایش درآمد منطقه از طریق ارائه‌ی کالا و خدمات به بیرون از منطقه.

با توجه به نتایج به دست آمده از الگوهای ضریب مکانی و الگو تغییر سهمی (جدول شماره ۲ و ۴ و ۶) رشد بخش‌های اقتصادی معدن، صنعت، آب، برق، گاز، فروش، خدمات مالی و خدمات نامشخص، می‌توان چنین دریافت که میزان بالای رشد متوسط این بخش‌ها، موجب افزایش میزان رشد منطقه‌ای می‌شود. در بخش خدمات نیز با توجه به این که بخش برنده‌ی اقتصادی این شهر محسوب می‌شود، انتظار آن می‌رود که رشد بالقوه‌ای برای اقتصاد منطقه به همراه داشته باشد. در مجموع می‌توان گفت، شهر میانی بروجرد با دارا بودن تأثیرات مثبت کارکردی هم در توسعه‌ی اقتصادی (و متعاقباً توسعه‌ی اجتماعی) منطقه و هم در حوزه‌ی روستایی و محلی از سوی دیگر نقش مؤثری دارد. بر همین اساس می‌تواند (در کنار شهر خرم‌آباد مرکز منطقه) موجب جذب بخشی از جمعیت و سرمایه‌ی منطقه شده و توزیع متعادل‌تر جمعیت استان را سبب شود.

منابع و مآخذ

۱. اکبری، نعمت اله - مصری نژاد، شیرین (۱۳۸۷). "بررسی وضعیت اشتغال در بخش های عمده اقتصادی استان اصفهان طی دوره ۷۵-۱۳۶۵"، مجله دانشکده علوم اقتصادی و اداری اصفهان، شماره ۳۱ جلد سوم.
۲. امکچی، حمیده (۱۳۸۳)، شهرهای میانی و نقش آنها در چارچوب توسعه‌ی ملی. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، تهران.
۳. باقری، اشرف السادات، (۱۳۷۵)، نقش شهرهای میانی در توسعه‌ی ناحیه‌ای، رساله‌ی دکترا، به راهنمایی دکتر حسین شکوئی، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
۴. باقری، اشرف السادات (۱۳۷۷)، "کارکرد شهرهای میانی در توسعه‌ی ناحیه‌ای"، فصلنامه‌ی مدرس، شماره ۸-۹.
۵. توفیق، فیروز (۱۳۸۴)، آمایش سرزمین، تجربه‌های جهانی و انطباق آن با وضع ایران، مرکز تحقیقات شهرسازی و معماری، تهران.
۶. حسین زاده دلیر، کریم (۱۳۸۰)، برنامه ریزی ناحیه‌ای، انتشارات سمت. تهران.
۷. حکمت نیا، حسن (۱۳۸۵)، کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه ریزی شهری و ناحیه‌ای، نشر علم نوین. یزد.
۸. داوود پور، زهره (۱۳۸۳)، چگونگی شکل‌گیری کلان‌شهر تهران، آبادی شماره ۴۴-۴۳.
۹. زیاری، کرامت اله (۱۳۷۸)، اصول و روش‌های برنامه ریزی منطقه‌ای، انتشارات دانشگاه یزد.
۱۰. زیاری، کرامت اله - اقدم، تقی (۱۳۸۶)، عملکرد شهر میانی خوی در توسعه‌ی فضایی استان آذربایجان غربی، پژوهش‌های جغرافیایی - شماره ۶۳، بهار ۱۳۸۷.
۱۱. سازمان مدیریت و برنامه ریزی، سند چشم‌انداز بلند مدت توسعه‌ی جمهوری اسلامی ایران، برنامه‌ی چهارم توسعه عمرانی.
۱۲. شکویی، حسین (۱۳۷۴)، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت، تهران.
۱۳. صباغ کرمانی، مجید (۱۳۸۰)، اقتصاد منطقه‌ای (تئوری‌ها و مدل‌ها)، انتشارات سمت، تهران.
۱۴. صرافی، مظفر (۱۳۷۷)، برنامه ریزی توسعه منطقه‌ای، انتشارات برنامه و بودجه، تهران.
۱۵. فنی، زهره (۱۳۸۷)، بررسی کارکرد شهرهای کوچک در توسعه‌ی منطقه‌ای مورد: خوزستان، پژوهش‌های جغرافیایی، ۳۷.
۱۶. کلاتری، خلیل، (۱۳۸۰)، برنامه ریزی و توسعه منطقه‌ای (تئوری‌ها و تکنیک‌ها)، نشر خوشبین، تهران.
۱۷. محمدزاده تیتکانلو، حمیده (۱۳۸۱)، تبیین نقش شهرهای متوسط در توسعه فضایی منطقه‌ای مورد: بجنورد، رساله‌ی دکتری شهرسازی، دانشگاه تهران (استاد راهنما. اسفندیار زبردست)، تهران.

۱۸. محمدی داریوش (۱۳۸۶)، خلاصه مهمترین شاخص‌ها و نماگرهای آماری استان لرستان، ناشر: اداره کل آمار و اطلاعات استانداری لرستان، خرم آباد.
۱۹. مرکز آمار ایران، (۱۳۷۵)، نتایج سرشماری سال ۱۳۷۵.
۲۰. مرکز آمار ایران، (۱۳۸۵)، نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵.
۲۱. معاونت برنامه ریزی استانداری لرستان، (۱۳۸۷)، ناشر اداره کل آمار و اطلاعات، خرم آباد.
۲۲. موحد، علی و مسعودی راد، ماندانا، ارزیابی مدل‌های کمی در شبکه‌ی شهری استان لرستان. چاپ نشده.
۲۳. هوشیار، حسن (۱۳۸۱)، برنامه ریزی توسعه‌ی فیزیکی شهرهای میانه اندام، مورد: مهاباد، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز، (استاد راهنما: حسین کریم زاده دلیر)، تبریز.

24. Bolay J-c, A. Rabinovich.(2004) *intermediate cities in Latin America risk and opportunities of coherent urban development cities*(vol21).
25. George owusn.(2008). *The role of small towns in Regional development and poverty Reduction in Ghana*, International Journal of urban and Regional Research ,(volume32.2)
26. Mal-soon min. (1990) *Growth of small and intermediate cities in Korea, 1975-1980* .Korea Journal of Population and Development .(volume19).
27. Mathur ,O.M. (1982) *Small Cities and National Development UNCRD* ، Nagoya ، Japan
28. Rondinelli D.A. (1985) *Applied methods of regional analysis the spatial Dimension of Development policy*, West view press ، boulder.